

# خصائص النبی ﷺ

## رویکردها و بایستگی‌ها

سید محمد نقیب

طلبه سطح ۴ حوزه قم با گرایش تفسیر و علوم قرآنی

### چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۹

بدون شک خداوند پیامبرش را با اختصاص دادن به «صفات، ویژگی‌ها و امتیازاتی» بر دیگر پیامبران و سایر مخلوقات برتری و فضیلت داده است. از این‌ها به «خصائص النبی» یاد می‌شود. خصائص النبی از مباحث مهم در سیره پیامبر اعظم بوده که به جهت حساسیت برخی از این خصائص و عدم شناخت دقیق آنها دستمایه مغرضین و شبهه‌افکنان قرار گرفته است. در خصوص ضرورت پرداختن به این مسئله دو دیدگاه در میان علمای شیعه و اهل سنت وجود دارد برخی بر این باورند که خصائص مختص پیامبر بوده و با وفات پیامبر آنها نیز منقضی شده‌اند و برخی دیگر معتقدند که بررسی این موارد به جهت لزوم شناخت کامل پیامبر و دفاع از ایشان ضروری و بلکه واجب است. در این تحقیق، مسئله خصائص النبی را از نگاه علمای متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار داده و در نهایت به ضرورت و بایستگی‌های پرداختن به آن تصریح کرده‌ایم. **کلید واژه‌ها:** خصائص النبی، خصیصه، دیدگاه، متقدمین، متأخرین.

### طرح مسئله

رسیده است. شناخت کامل پیامبر در همه جهات و احاطه به تمام زوایای وجودی آن شخصیت کامل و صاحب خلق عظیم، امری دشوار و ناممکن است. بنابراین به

اساس اعتقاد به هر دینی معرفت و شناخت است. شناخت پیامبر اعظم ﷺ اساس و زیربنای دین عظیم اسلام است؛ زیرا از طریق او این دین استوار به ما

قدر توان و امکان از باب (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) (بقره/۲۸۶) هر کسی جنبه‌ای از تاریخ حیات و سیره آن حضرت را مورد توجه قرار داده است. یکی از موضوعات مطرح درباره پیامبر اسلام «صفات، ویژگی‌ها و امتیازاتی» است که خداوند پیامبرش را به وسیله آنها بر دیگر پیامبران یا دیگر مخلوقات برتری و شرافت داده و او را یگانه و منفرد ساخته است. از اینها به «خصائص النبی» در منابع شیعه و اهل سنت اعم از فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و سیره‌نویسی یاد می‌شود.

در میان علمای شیعه و اهل تسنن دو نظریه در خصوص ضرورت پرداختن به این مسئله وجود دارد. برخی معتقدند خصائص، احکام و ویژه پیامبر<sup>۹</sup> بوده و با وفات ایشان آنها نیز منقضی شده‌اند و نیازی به پرداختن به آنها نمی‌باشد. در مقابل، عده‌ای دیگر بر این باورند که شناخت پیامبر<sup>۹</sup> و دفاع از آن انسان کامل نه تنها امری است نیکو، بلکه بر هر مسلمانی واجب است و لازمه این امر شناخت خصائص آن حضرت است و اگر به فرض هیچ اثر عملی در پی نداشته باشد که دارد، اثر علمی را به

دنبال خواهد داشت.

نکته دیگر اینکه سعادت انسان در دنیا و آخرت در گرو ایمان به خداوند و پیروی از پیامبر اکرم می‌باشد؛ از این رو بر هرکس که نجات و سعادت خود را می‌طلبد واجب است سیره و روش‌های رهبر و هادی خود را بشناسد تا از جهالت خارج شده، در زمره پیروان او قرار گیرد.

با توجه به این دو نکته، نگاه به موضوع نیز در میان علما و اندیشمندان شیعه و اهل سنت متفاوت می‌گردد که در این مقاله به بررسی آنها می‌پردازیم.

### مفهوم لغوی خصائص و کاربرد آن

«خصائص» از ریشه «خصص» گرفته شده و به معانی ذیل آمده است:

- یگانه و منفرد نمودن. وقتی می‌گوییم شخصی را به امری مختص نمود؛ یعنی او را از دیگران یگانه و منفرد ساخت!

- فضیلت و برتری دادن.<sup>۱</sup>

- یگانه ساختن قسمتی از شیء به

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۴، ص ۱۰۹.

۲. فیروزآبادی، *القاموس المحیط*، ص ۷۹۶.

یک تعریف خود یک غلط است، بلکه باید تعریفی ارائه دهیم که کارآمدی بیشتری نسبت به تعریف‌های دیگر داشته باشد.

با توجه به این نکته، پس از بررسی تعریف‌های اصطلاحی ارائه شده از سوی علمای شیعه و اهل سنت می‌توان خصائص النبی را این‌گونه تعریف کرد:

«خصائص النبی» در اصطلاح، صفات، ویژگی‌ها و امتیازاتی هستند که خداوند پیامبرش را به وسیله آنها از دیگران ممتاز فرموده و بر دیگر مخلوقات یا دیگر معصومین شرافت و فضیلت بخشیده است. بعضی از این خصائص مربوط به شخص پیامبر و برخی دیگر مربوط به مقام و جایگاه نبوت و پیامبری ایشان است.»

خصائص به دو دسته تقسیم می‌گردند:

۱- خصائص تکوینی.

۲- خصائص تشریحی.

منظور از خصائص تکوینی صفات، ویژگی‌ها و امتیازاتی است که مربوط به اصل خلقت پیامبر بوده و اراده تکوینی خداوند بر آن تعلق گرفته که اینها در وجود پیامبر خاتم باشد، تا موجب

چیزی که همه در آن شریک نیستند<sup>۱</sup>. از بررسی تعاریف ارائه شده در کتب لغت به دست می‌آید که تعریف این کلمه به معانی ذیل اشعار دارد:

الف) اختصاص یافتن یک فرد به چیزی و منفرد بودن به آن امر؛

ب) فضیلت و برتری؛

ج) ممتاز بودن و امتیاز یافتن یک فرد یا یک شیء.

کلمه خصائص در قرآن نیامده است، ولی با واژه «خالصة» به آن اشاره شده است.<sup>۲</sup>

### تعریف اصطلاحی

اصل اعتباری بودن تعریف، به تنوع و تکثرپذیری آن می‌انجامد. ملاک و ترازوی سنجش یک تعریف «کارآمدی» آن است. در تعریف سعی بر آن است که تمامی جوانب مسئله در آن گنجانده شود. از این‌رو تعریف ارائه شده باید جامع و مانع باشد.

تعریف، تصور ما از یک شیء است. بدین سان تعبیر به صحیح یا غلط بودن

۱. راغب اصفهانی، مفردات، باب الخاء، خصص.

۲. بنگرید به: احزاب/۵۰.

شرافت و فضیلت او بر سایرین گردد، این صفات و ویژگی‌ها یا مربوط به خصوصیات شخصی پیامبر است و یا مربوط به عموم ولایت و نبوت ایشان. و مقصود از خصائص تشریحی، خصائصی است که در بر دارنده حکم شرعی تکلیفی یا وضعی برای شخص پیامبر باشد و پیامبران یا مخلوقات دیگر مشمول آن حکم نشوند.

### دیدگاه علمای شیعه و اهل تسنن

در اینجا به چگونگی مواجهه علمای شیعه و سنی با مسئله «خصائص النبی» و تبیین آن می‌پردازیم.

### دیدگاه متقدمین فقهای شیعه

مقصود از متقدمین، فقهای تا صاحب شرایع و مقصود از متأخرین، فقهای پس از صاحب شرایع می‌باشد.

شیخ طوسی در مبسوط در کتاب النکاح، بابی را به «خصائص النبی» اختصاص داده و به شمارش و بیان خصائص به صورت مختصر پرداخته، در برخی از خصائص، روایات، یا ادله آن را نقل و خصائصی را که متعلق به ازدواج‌های پیامبر می‌شود، بیان

می‌نماید.<sup>۱</sup>

محقق حلی در کتاب النکاح شرایع بابی را به «خصائص النبی» اختصاص داده، پانزده خصیصه را برای پیامبر برمی‌شمارد. شش خصیصه در نکاح و نه خصیصه مربوط به خصائص غیر از ازدواج‌های پیامبر می‌باشد که بسیار مختصر به توضیح آنها پرداخته و در برخی موارد که در بردارنده حکم شرعی بوده، ادله حکم شرعی را بیان فرموده است.<sup>۲</sup>

در دیگر کتب فقهی متقدمین علمای شیعه، پس از تحقیق و تفحص، در جایی دیگر این موضوع را نیافتیم؛ چه در کتاب‌های فقهی شیخ صدوق مانند المقنع و حتی من لا یحضره المقنعه شیخ مفید و کتب سید مرتضی، المهدب ابن‌براج، غنیه ابن زهره، سرائر ابن ادریس، ولی از آنچه علامه حلی در تذکره می‌فرماید: «جرت عادة الفقهاء بذكر خصائص النبی هنا فی النکاح، ثم

۱. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴،

ص ۱۵۲.

۲. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۵.

که دارای حکم شرعی نیست نیز اشاره شده است استطراداً بوده و به ادله و آثار آن نپرداخته‌اند.

### دیدگاه فقهای متأخرین شیعه

با توجه به تفاوت در چگونگی مواجهه متأخرین با مسئله خصائص النبی، فقهای متأخرین شیعه را به دو گروه تقسیم می‌کنیم.

الف) فقهای پیش از صاحب جواهر.

ب) فقهای پس از صاحب جواهر.

### فقهای پیش از صاحب جواهر

در میان متأخرین از فقهای شیعه، علامه حلی اولین کسی است که به صورت دسته‌بندی شده به پیروی از محقق حلی این موضوع را در مقدمه رابع کتاب النکاح *تذکره الفقهاء* بیان کرده است و تعریفی از خصائص ارائه فرموده و سپس به تقسیم‌بندی و شمارش خصائص پرداخته و در مواردی روایات مربوطه را مطرح کرده و به برخی ادله خصائص تشریحی پرداخته است. ایشان بیش از هفتاد خصیصه برای پیامبر از

سحبوا البحث الی خصائصه فی غیره»<sup>۱</sup> معلوم می‌گردد که این سیره و عادت در میان فقهای جریان داشته است که این بحث را در کتاب النکاح به مناسبت خصائص تشریحی مربوط به ازدواج‌های پیامبر و متعلقات این بحث مطرح می‌کرده‌اند و اگر خصائص دیگر را بیان کرده‌اند استطراداً بوده است.

### ویژگی‌های دیدگاه فقهای متقدمین

در مجموع می‌توان ویژگی نگاه متقدمین از فقهای شیعه به موضوع خصائص را در دو نکته خلاصه کرد: یک) به صورت مستقل و مبسوط و تخصصی به موضوع پرداخته نشده و در بسیاری از موارد در حد شمارش و توضیح مختصر و احتمالاً بیان روایت یا ادله حکم شرعی در خصائصی که در بر دارنده حکم شرعی بوده، اکتفا شده است.

دو) تنها از باب بیان خصائص تشریحی از نگاه فقهی بوده، چنان که گفته شد و در بیانات فقهای متأخرین نیز بیان خواهیم کرد اگر به خصائصی

۱. *تذکره الفقهاء*، چاپ قدیم، جزء ۲، ص ۵۶۵.

کتاب و سنت ذکر می‌فرماید.<sup>۱</sup>

علامه حلی در کتاب *تحریر* نیز در مقدمه کتاب النکاح، به موضوع خصائص به صورت بسیار مختصر می‌پردازد<sup>۲</sup> و در کتاب *قواعد* به عنوان البحث السادس از کتاب النکاح این بحث را بسیار گذرا و مختصر بیان می‌نماید.<sup>۳</sup>

فقه‌های پس از علامه حلی و همچنین کسانی که بر کتب علامه و یا *شرایع الاسلام* محقق حلی شرحی نگاشته‌اند به تبع این دو فقیه، در کتاب النکاح با عباراتی شبیه یا عین عبارات آنان موضوع را مطرح کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌رود.

فخر المحققین نخستین کسی است که پس از پدر و به تبع ایشان در کتاب النکاح *ایضاح* که شرحی بر کتاب *قواعد* است این موضوع را مطرح کرده، به صورت مختصر و در حد شمارش از آن می‌گذرد.<sup>۴</sup>

صیمری در *غایة المرام* به تبع صاحب *شرایع* به این موضوع به صورت مختصر پرداخته است. محقق کرکی در *جامع المقاصد* که شرح *قواعد* علامه می‌باشد با عبارتی شبیه عبارات علامه به این موضوع توجه نموده و سپس به شرح خصائص النبی و مسائل فقهی خصائص اشاره و ادله و روایات باب را بیان کرده است.<sup>۵</sup>

شهید ثانی در *مسالك* نیز با عباراتی نزدیک به همین عبارات به این موضوع پرداخته است.<sup>۶</sup>

صاحب *مسالك* در کتاب النکاح بابی را با عنوان «فی اشیاء یتعلق بنکاح النبی و ازواجه» آورده است.<sup>۷</sup> صاحب *کشف اللثام* در کتاب النکاح بابی را به این موضوع اختصاص داده، می‌فرماید: «خص رسول الله بأشیاء فی النکاح و غیره و قد جرت العادة بذکرها فی هذا الكتاب».<sup>۸</sup>

۵. محقق کرکی، *جامع المقاصد*، ج ۱۲، ص ۵۳.

۶. شهید ثانی، *مسالك الافهام فی تنقیح شرایع الاسلام*، ج ۷، ص ۶۹.

۷. کاظمی، *مسالك الافهام الی آیات الاحکام*، ج ۳، ص ۳۲۴.

۸. فاضل هندی، *کشف اللثام*، ج ۷، ص ۳۳.

۱. علامه حلی، *تذکرة الفقهاء*، ج ۲، ص ۵۶۵.

۲. علامه حلی، *تحریر الاحکام الشرعیة*، ج ۲، ص ۲.

۳. همو، *قواعد الاحکام*، ج ۳، ص ۷.

۴. فخرالمحققین، *ایضاح الفوائد*، ج ۳، ص ۱۱.

در میان متأخرین کسی که به صورت مبسوط و مفصل تر نسبت به دیگر فقها به این موضوع پرداخته مرحوم بحرانی در *حدائق* است. ایشان نیز ابتدا با عبارتی شبیه عبارت علامه این موضوع را مطرح نموده، سپس می‌فرماید که به خصائص مربوط به نکاح مفصلاً و به خصائص دیگر مجملاً می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

صاحب *جواهر* نیز به تبع صاحب *شرایع* در کتاب النکاح بابی را به این موضوع اختصاص داده و به جنبه‌های فقهی خصائص پرداخته، می‌نویسد: «و هي كثيرة مذكورة في كتب الخاصة و العامة لكن عند المصنف كما ستسمع أن أظهرها خمس عشرة خصلة: منها ما في النكاح و هو الأكثر و لذا جرت العادة بذكرها فيه و استطراد غيرها».<sup>۲</sup>

### متأخرین پس از صاحب جواهر

فقه‌های متأخرین پس از صاحب *جواهر*، این موضوع را در کتب خود مطرح کرده‌اند، حتی در کتب فقهی مستقل باب نکاح این موضوع را نمی‌یابیم، ولی اخیراً سید محمد صادق

صدر در کتاب *ماوراء الفقه*، در کتاب النکاح، فصلی را به این موضوع اختصاص داده و خصائص را به خصائص فقهی و غیر فقهی تقسیم کرده و به شرح مختصر آنها پرداخته است.

نویسنده کتاب *ماوراء الفقه* دلیل کسانی که این مسئله را طرح نکرده‌اند، در برنداشتن فایده عملی به دلیل اختصاصی بودن این مسئله می‌داند. وی می‌نویسد:

«و قد حذف الفقهاء المتأخرون التعرض لذلك، باعتبار أنه لا يعود إلى عمل المكلف و فائدته تنحصر بالفوائد النظرية و مجرد المعرفة و الاطلاع».<sup>۳</sup>

البته به نظر می‌رسد با توجه به آنچه از فقه‌های متأخرین یاد شد، منظور ایشان از متأخرین، فقه‌های نزدیک به دوره ایشان و معاصر ایشان باشد؛ زیرا دیدیم که در میان فقه‌های متأخرین از علامه تا صاحب *جواهر* بسیاری از آنان این موضوع را مطرح کرده‌اند، ولی پس از صاحب *جواهر*، به دلیل مزبور، این موضوع طرح نشده است.

۳. سید محمدصادق صدر، *ماوراء الفقه*، ج ۶، ص ۴۷.

۱. بحرانی، *الحدائق الناضرة*، ج ۲۳، ص ۹۴.  
۲. نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۲۹، ص ۱۱۹.

برخی از علمای اهل تسنن نیز به دلیل یادشده به این موضوع پرداخته‌اند. ابن کثیر می‌گوید: «و حکى الصيمرى عن ابي علي بن خيران أنه منع من الكلام فى خصائص رسول الله... و وجهه أن ذلك قد انقضى، فلا عمل يتعلق به». همچنین امام الحرمین جوینی از ورود به این موضوع منع کرده است.<sup>۱</sup>

### ضرورت پرداختن به مسئله

در هر مسئله‌ای مبانی نظری مقدم بر عمل است و تا هنگامی که مبانی نظری مسئله‌ای درست تبیین نگردد در عمل با مشکل روبه‌رو خواهیم شد. نویسنده *ماوراء الفقه* می‌گوید «فإن الفوائد النظرية تزيد أهمية و عمقاً على الفوائد العملية بل هي فى كثير الأحيان أكثر ضرورية منها، فما أحسن أن يعرف الفرد المسلم الصفات التى كان يتصف بها نبيّه 9».

اینکه خصائص، احکام و ویژه پیامبر است و کسی در آنها با آن حضرت شریک نیست، پذیرفته است، ولی هیچ‌گاه به این معنا نیست که با رحلت پیامبر اینها فاقد فایده و اثر علمی یا عملی برای مکلف باشد. هر یک از

خصائص و شناخت آنها دارای آثاری است که گرچه مکلف به عین آن تکالیف نیستیم، ولی باید آنها را به خوبی بشناسیم تا هم از آثار علمی و عملی آنها منتفع شویم، هم در مقابل هجمه دشمنان پیامبر به دلیل عدم درک صحیح خصائص، بتوانیم به بهترین وجه دفاع نماییم. نووی از علمای اهل سنت در رد کسانی که قائل به منع هستند می‌گوید: «و قال سائر أصحابنا: لا بأس به (پرداختن به این مسئله) و هو الصحيح لما فيه من زيادة العلم. فهذا كلام الأصحاب و الصواب الجزم بجواز ذلك بل استحبابه، بل لو قيل بوجوبه لم يكن بعيداً».<sup>۲</sup>

وقتی خداوند پیامبر اکرم را اسوه معرفی می‌نماید، نمی‌توان این اسوه و الگو بودن را فقط در برخی مسائل منحصر دانست. پیامبر در خصائص نیز الگو و اسوه است؛ البته هر یک به حسب خودش؛ برخی در مقام عمل و برخی دیگر در آثار و نتیجه‌ای که از عمل پیامبر به دست می‌آید الگو و اسوه است که این بحث خود مجالی دیگر می‌طلبد و سزاوار است مورد توجه

۲. نووی، *روضه الطالبین*، ج ۷، ص ۱۷ و ۱۸.

۱. ابن کثیر، *الفصول فى سيرة الرسول*، ص ۱۵۶.



محققان شیعه قرار گیرد.

أبی عبدالله - شافعی - صاحب المذهب»<sup>۱</sup>.

بر اساس گفته ابن کثیر، نخستین کسی که این موضوع را در کتاب النکاح ذکر کرده امام شافعی است و پس از او فقها به او تأسی نموده و به این موضوع در کتاب النکاح پرداخته‌اند. پس از شافعی شاگرد او، مزنی، کتاب النکاح را با این موضوع شروع کرده است.<sup>۲</sup>

نویسنده کتاب *من معین الخصائص النبویة* می‌گوید: «تحدثت كتب الفقه الكبيرة عن الخصائص وافردت لها فصلاً عند حديثها عن كتاب النكاح و سبب ذلك أن عدداً لا بأس به من الخصائص يرجع إلى مسائل النكاح»<sup>۳</sup>.

ابوبکر بیهقی از فقهای اهل سنت (م ۴۵۸ق) باب مستقلی را در کتاب خود، در کتاب النکاح، به این موضوع اختصاص داده است.<sup>۴</sup>

نووی یکی دیگر از فقهای اهل سنت در کتاب خود در ابتدای کتاب النکاح، فصلی را به موضوع «خصائص النبوی»

## ویژگی دیدگاه فقهای متأخرین

با توجه به آنچه از دیدگاه فقهای متأخرین بیان شد به دست می‌آید که آنان به سه شکل به موضوع نگاه کرده‌اند:

۱. نگاه غیرمستقل و در ضمن بیان

مسائل نکاح؛

۲. نگاه به موضوع تنها جنبه فقهی

داشته و بقیه خصائص استطراداً مطرح شده است؛

۳. عدم ورود به بحث در فقهای پس

از صاحب *جوهر*؛ به دلیل دربرنداشتن فایده عملی و اختصاص آن‌ها به پیامبر.

## دیدگاه فقهای اهل تسنن

فقهای اهل تسنن نیز همانند فقهای شیعه این بحث را در کتاب النکاح ذکر کرده‌اند، با این تفاوت که در کتب فقهی اهل سنت، کتاب النکاح با این موضوع آغاز شده است.

ابن کثیر می‌گوید: «قد أكثر أصحابنا و

غيرهم من ذکر هذا الفصل في أوائل كتب النكاح من مصنفاتهم تأسيساً بالإمام

۱. ابن کثیر، *الفصول فی سیرة الرسول*، ص ۱۵۶.

۲. مزنی، *مختصر*، ۱۶۲.

۳. احمد الشامی، *من معین الخصائص النبویة*،

ص ۱۳.

۴. بیهقی، *السنن الکبری*، ج ۷، ص ۳۶.

اختصاص داده است.<sup>۱</sup> خلیل بن اسحاق مالکی نیز بدین گونه در کتاب خود به این موضوع پرداخته است.<sup>۲</sup> برخی کتب فقهی - حدیثی اهل تسنن نیز به مناسبت بعضی مسائل شرعی، به اختصاصی بودن برخی از احکام اشاره کرده‌اند.<sup>۳</sup>

در مجموع بسیاری از فقهای اهل سنت، چه متقدمین و چه متأخرین، به این موضوع پرداخته‌اند.

### ویژگی‌های نگاه فقهای اهل تسنن

با توجه به آنچه از اقوال فقهای اهل سنت یاد شد و ادله دو طرف که تقریباً با دلایلی که فقهای شیعه بیان نموده‌اند، شباهت دارد، می‌توان ویژگی‌های نگاه فقهای اهل سنت به موضوع را به شرح ذیل برشمرد:

۱. غیراستقلالی و غیراختصاصی بودن و تنها به مناسبت مسائل مربوط به ازدواج‌های پیامبر این موضوع در ابتدای

کتاب النکاح آمده است و بیشتر به جنبه‌های فقهی مربوط به ازدواج‌های پیامبر پرداخته شده و بقیه خصائص استطراداً بیان شده است.

۲. نگاه به موضوع تنها برای بررسی جنبه‌های فقهی آن بوده است.

۳. برخی از فقهای اهل تسنن، با توجه به دلیلی که در نظر فقهای پس از صاحب جواهر بیان شد، به موضوع نپرداخته‌اند.

### نگاه مفسران شیعه و اهل سنت به موضوع

در میان تفاسیر نوشته شده چه متقدمین و چه متأخرین شیعه؛ مانند تبیان شیخ طوسی، مجمع البیان شیخ طبرسی و المیزان علامه طباطبایی موضوع خصائص به صورت اختصاصی یا حتی مانند فقه، به صورت دسته‌بندی شده مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است و تنها به مناسبت تفسیر آیه‌ای که مربوط به خصائص بوده، به آن اشاره‌ای شده و در برخی موارد احکام شرعی موضوع در حد گذرا گفته شده است.

مؤلف تفسیر المیزان می‌فرماید: «و فی الآیة أبحاث فقهیة أوردھا المفسرون و الحق أن ما تتضمنه من الأحكام الشخصية

۱. نووی، روضة الطالبین، ج ۷، ص ۱.

۲. جنیدی، مختصر خلیل، ص ۹۵.

۳. ابن حجر، فتح الباری، ج ۳، ص ۴۳۱، ج ۴، ص ۹۵؛ ابن رجب حنبلی، فتح الباری، ج ۱، ص ۴۳؛ نووی، شرح صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۵، ج ۳، ص ۱۹۳ و ۲۴۷.

خاصة بالنبي و لا دليل من جهة لفظها على شموله لغيره و تفصيل القول في الفقه»!

صاحب الميزان در این بیان یادآور می شود که مفسران به ابحاث فقهی موضوع نیز پرداخته اند و حال آنکه این موضوع با توجه به اینکه مربوط به احکام شخصی ویژه پیامبر می باشد باید در فقه به صورت تفصیلی بحث شود.

مفسران متقدم و متأخر اهل سنت نیز همانند مفسران شیعه عمل نموده اند. در تفاسیر مهم اهل سنت، مانند البیان طبری، تفسیر ابن کثیر، تفسیر قرطبی، روح المعانی آلوسی، مفاتیح الغیب رازی، کشاف زمخشری و در المنثور سیوطی، این موضوع به صورت خاص و جمع بندی شده نیامده است و صرفاً به صورت آیه به آیه تفسیر شده و در برخی موارد به احکام شرعی مطرح در موضوع اشاره کرده اند.

### ویژگی های نگاه مفسران شیعه و اهل سنت

در مجموع پس از بررسی تفاسیر

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۰۷.

متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت، ویژگی های نگاه مفسران فریقین را به موضوع بدین شرح می توان یاد کرد:

۱. نگاه غیرمستقل و غیرتخصصی؛  
۲. نگاه آیه به آیه و غیر جمع بندی شده و منسجم؛

۳ نگاه تفسیری و در برخی موارد با هدف بیان مسائل فقهی.

### دیدگاه مورخین و سیره نویسان شیعه و اهل سنت

تاریخ اسلام و زندگی پیامبر اعظم<sup>۹</sup> در برگیرنده تمامی اتفاقات و حوادث به حسب تسلسل زمانی است که برای آن حضرت از آغاز تولد تا وفات رخ داده است، ولی سیره نویسی بیان وقایع و حوادث مهم و شرح حال نویسی فارغ از تسلسل زمانی و نیز زمان وقوع آنها می باشد و در آن، تبیین سلوک، شیوه و روش برخورد پیامبر<sup>۹</sup> با آن وقایع و حوادث مورد توجه است.

تاریخ و سیره نویسی دارای شاخه های گوناگونی هستند که هر یک به صورت خاص قسمتی و موضوعی از زندگانی پیامبر اکرم<sup>۹</sup> را مورد تحقیق و بررسی

قرار داده‌اند.

ولی برخی دیگر از مورخان شیعی مثل یعقوبی در کتاب *تاریخ یعقوبی* و طبرسی در *اعلام السوری* و از متأخرین محمدهادی یوسفی غروی در *موسوعة التاريخ الاسلامی* و مورخان اهل سنت مثل مسعودی در *مروج الذهب* این موضوع را مطرح نکرده‌اند.

«**خصائص النبی**» در **منابع تاریخ و سیره** برای بررسی خصائص النبی در میان کتب تاریخ و سیره می‌توانیم به چند دسته از کتب مراجعه کنیم:

### ۱. تاریخ عام

در برخی کتب تاریخی که به صورت کلی و عام زندگی پیامبر را به حسب تسلسل زمانی بررسی کرده‌اند، فصلی را به «خصائص النبی» اختصاص داده‌اند؛ به عنوان نمونه کتاب *انساب الاشراف* بلاذری بابی را با عنوان «القول فی بعض خصائص النبی» آورده است.<sup>۱</sup> *امتاع الاسماع* مقریزی به صورت مفصل به این موضوع پرداخته و با استناد به برخی آیات و روایات و نقل‌های تاریخی، شمار زیادی از خصائص را برای پیامبر یاد کرده است.<sup>۲</sup> ذهبی نیز در *تاریخ الاسلام* بابی را به این موضوع اختصاص داده است.<sup>۳</sup>

### ۲. سیره نبوی

در برخی از کتبی که با عنوان «سیره» به نگارش درآمده موضوع «خصائص النبی» مورد بحث و بررسی و توجه قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه قسطلانی در *المواهب اللدنیه* بابی را به این موضوع اختصاص داده است.<sup>۴</sup>

نویسنده کتاب *سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد* نیز بابی را با عنوان «جماع ابواب خصائصه صلی الله علیه و سلم» آورده است.<sup>۵</sup>

ولی برخی دیگر از سیره نویسان مانند ابن هشام به موضوع خصائص هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده و سیره‌نویسان شیعه مانند نویسنده کتاب *الصحيح من*

۱. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۱، ص ۵۰۷.

۲. مقریزی، *امتاع الاسماع*، ج ۱۰، ص ۱۳.

۳. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۱، ص ۵۳۶.

۴. قسطلانی، *المواهب اللدنیه*، ج ۲، ص ۳۰۱.

۵. صالحی، *سبل الهدی و الرشاد*، ج ۱۰، ص ۲۷۴.

سیره النبى الاعظم نیز به این موضوع به شکل دسته‌بندی شده پرداخته‌اند و تنها در بحث ازدواج زینب بنت جحش از اختصاصی بودن این حکم و برخی شبهات مربوط به آن یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳. دلایل النبوة

در کتبی که با عنوان *دلایل النبوة* نگاشته شده‌اند یا به دلایل النبوة پرداخته‌اند نیز فصلی به این موضوع اختصاص یافته است. بیهقی در *دلایل النبوة* که از مشهورترین کتب در این موضوع است فصلی را به عنوان «خصائص النبى» آورده است.<sup>۲</sup> سیوطی در *تهذیب الخصائص النبویه* که جمع میان دلایل النبوة و خصائص النبى است بابتی را به این موضوع اختصاص داده است.<sup>۳</sup>

### ۴. خصائص النبى

برخی از کتب به صورت تخصصی و مستقل به موضوع «خصائص النبى»

پرداخته و خصائص را از نظر قرآن، حدیث و تاریخ گردآوری کرده‌اند که مهم‌ترین آنها *غایة السؤل فى خصائص الرسول ابن ملقن و نهایة السؤل فى خصائص الرسول ابن دحیه کلبی و اللفظ المکرم بخصائص النبى المعظم خیضری* شافعی است که همه این کتب از سوی علمای اهل سنت گردآوری شده است و در میان تألیفات علمای متقدم شیعه کتاب مستقلى در این باره نیافتیم، ولی در میان معاصران کتابی مختصر به نام *خصائص النبى* از آقای افتخاری گلپایگانی به چاپ رسیده است.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان ویژگی‌های رویکرد مورخان و سیره‌نویسان شیعه و اهل سنت را به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

### ویژگی‌های نگاه مورخان و سیره‌نویسان شیعه

۱. بیان گذرا و در ضمن مسائل و وقایع تاریخی دیگر؛
۲. پرداختن به موضوع «خصائص النبى».

### ویژگی‌های نگاه مورخان و سیره‌نویسان اهل سنت

۱. جعفر مرتضى عاملی، *الصحيح من سيرة النبى الاعظم*، ج ۱۴، ص ۴۱.
۲. بیهقی، *دلایل النبوة*، ج ۵، ص ۴۷۰.
۳. سیوطی، *تهذیب الخصائص النبویه*، ص ۳۵۱.

۱. بیان عمومی تاریخ و ذکر خصائص در لابلاى وقایع تاریخی؛

۲. بررسی خصائص در ضمن موضوعات دیگر؛ مثل دلائل النبوة، شمائل النبى، سنن النبى، اخلاق النبى و...؛

۳. نگاه استقلالى و تخصصى به موضوع و تألیف کتب مستقل.

### نتیجه‌گیری

چنان که یاد شد، اگر چه مسئله خصائص النبى یکی از مسائل مهم درباره شخصیت پیامبر اعظم است، ولی بیشتر نگاه‌ها در میان علمای شیعه بالاخص، به سوی مسائل شرعى رفته و مسائل دیگر بدون پاسخ مانده است و همین نکته باعث مطرح کردن برخی شبهات و اتهامات علیه پیامبر اسلام شده است. اگر چه این موضوع به صورت پراکنده در منابع شیعه آمده است، ولی ما کتابی مدوّن در باب خصائص النبى که تمام جوانب مسئله را مورد بررسی قرار دهد نیافتیم و حتى بر اساس آنچه در تبیین نظر فقهای متأخرین پس از صاحب جواهر گفتیم این مسئله در کتب فقهای نیز حذف شده است؛ اما علمای

اهل سنت کتب مستقل و تخصصی در این موضوع تألیف کرده‌اند که شمار آنها قابل توجه بوده، لازم است مورد دقت نظر علمى قرار گیرند.

بی‌گمان بررسی خصائص النبى افزون بر فوائد علمى - که همان شناخت دقیق زوایای وجودی پیامبر خاتم است و بر هر مسلمانی واجب است تا از اتهامات ناروا به وجود پیامبر که به سبب عدم درک صحیح از این خصائص روا داشته‌اند پاسخ داده و از ایشان دفاع کند - دارای آثار عملی است که باید مورد بررسی قرار گیرد تا آثار و حکمت‌های آن تبیین و روشن گردد. بنابراین در ضرورت ورود به این مسئله هیچ‌گونه تردیدی روا نیست.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم، مصطفی و دیگران، المعجم الوسيط، قاهره، مجمع اللغة العربیة، بی‌تا.
۳. ابن رجب الحنبلى، ابى الفرج، فتح الباری، مدینه، مكتبة الغرباء الاثریة، ۱۴۱۷ق.
۴. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دارالصادر، ۱۴۱۴ق.
۵. انصاری، مرتضی، کتاب النکاح، کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، قم، ۱۴۱۵ق.

٦. بحراني، يوسف، *الحدائق الناضرة*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ١٤٠٥ق.
٧. بلاذري، احمد بن يحيى، *انساب الاشراف*، بيروت، دارالفكر، ١٤١٧ق.
٨. بيهقي، ابوبكر، *السنن الكبرى*، بيروت، دار الفكر، بی تا.
٩. بيهقي، ابوبكر، *دلائل النبوه*، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤٠٥ق.
١٠. جعفرى، محمد تقى، *رسائل فقهى*، منشورات كرامت، بی جا، ١٤١٩ق.
١١. جعفریان، رسول، *دوازده رساله فقهى دربارہ نماز جمعه*، قم، بی تا.
١٢. الجندى خليل ابن اسحاق، *مختصر*، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٦ق.
١٣. حسینی عاملی، جواد، *مفتاح الكرامه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ١٤١٩ق.
١٤. حلى، ابن ادريس، *سرائر*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ١٤١٠ق.
١٥. حلى، حسن بن يوسف، *تحرير الاحكام الشرعيه*، بی جا، بی تا.
١٦. حلى، حسن بن يوسف، *تذكرة الفقهاء*، قم، آل البيت ، بی تا.
١٧. حلى، حسن بن يوسف، *قواعد الاحكام*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ١٤١٣ق.
١٨. حلى، فخر المحققين محمد، *ايضاح الفوائد*، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٣٨٧ق.
١٩. حلى، نجم الدين، *المعتبر*، قم، مؤسسه سيدالشهداء، ١٤٠٧ق.
٢٠. حلى، نجم الدين، *شرايع الاسلام*، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٤٠٨ق.
٢١. خمينى، روح الله، *ولايت فقيه*، قم، مؤسسه نشر آثار، بی تا.
٢٢. دارابى، محمد بن محمد، *مقامات السالكين*، قم، نشر مرصاد، ١٤١٨ق.
٢٣. دمشقى، اسماعيل بن عمر بن كثير، *الفصول فى سيرة الرسول*، رياض، مدار الوطن للنشر، ١٤٢٤ق.
٢٤. ذهبى، محمد بن احمد، *تاريخ الاسلام*، بيروت، دار الكتب العربى، ١٤١٣ق.
٢٥. راغب اصفهانى، حسين، *مفردات*، بيروت، دار العلم، ١٤١٢ق.
٢٦. سيوطى، جلال الدين، *تهذيب الخصائص النبويه*، بيروت، دار البشائر الاسلاميه، ١٤١٤ق.
٢٧. صالح، احمد الشامى، *من معين الخصائص النبويه*، بيروت، مكتب الاسلامى، ١٤٢١ق.
٢٨. صادق، محمد ابراهيم، *خصائص المصطفى بين الغلو والجفا*، رياض، دار المنهاج، ١٤٢٦ق.
٢٩. صالحى، محمد بن يوسف، *سبيل الهدى و الرشاد*، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق.
٣٠. صدر، محمد صادق، *ماوراء الفقه*، قم، دارالاضواء للطباعة و النشر و التوزيع، بی تا.
٣١. طباطبايى، محمد حسن، *تفسير الميزان*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ١٣٧٤ش.
٣٢. طوسى، ابوجعفر، *المبسوط فى فقه الاماميه*، المكتبة المرتضويه، ١٣٧٨ق.
٣٣. عاملى (شهيد ثانى)، زين الدين، *مسالك*

- آل البيت :، ١٤١٤ق.
٤١. محمودى دشتى، على اكبر، *ادله اثبات دعوى*، قم، مجمع الفكر الاسلامى، ١٣٧٣ش.
٤٢. مزنى، اسماعيل، *مختصر*، دار المعرفة للطباعة والنشر، بى تا.
٤٣. مقرىزى، تقى الدين احمد، *امتاع الاسماع*، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢٠ق.
٤٤. نجفى، محمد حسن، *جواهر الكلام*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بى تا.
٤٥. نووى، يحيى بن شرف، *روضة الطالبين*، بيروت، دار الكتب العلميه، بى تا.
٤٦. نووى، يحيى بن شرف، *شرح صحيح مسلم*، بيروت، دار الكتب العربى، ١٤٠٧ق.
- الافهام فى تفحيح شرايع الاسلام*، قم، المعارف الاسلاميه، ١٤١٣ق.
٣٤. عاملى، جعفر مرتضى، *الصحيح من سيرة النبى الاعظم*، قم، دارالهادى، ١٤١٥ق.
٣٥. عسقلانى، ابن حجر، *فتح البارى*، رياض، مطبعة السلفيه، بى تا .
٣٦. فاضل هندى، محمد، *كشف اللثام*، قم، انتشارات جامعه مدرّسين، ١٤١٦ق.
٣٧. فيروزآبادى، محمد، *القاموس المحيط*، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢٠ق.
٣٨. قسطلانى، احمد بن محمد، *المواهب اللدنيه*، قاهره، المكتبة التوفيقيه، بى تا.
٣٩. كاظمى، جواد، *مسالك الافهام الى آيات الاحكام*، تهران، كتابفروشى مرتضى، ١٣٦٥ش.
٤٠. كركى، على بن حسين، *جامع المقاصد*، قم،